

پاسخ یک شاعر ایرانی به نامه‌ی احمدی نژاد خطاب به جورج بوش - میرزا آقاعسگری (مانی)

از آنجائی که احتمالاً آقای جورج دبلیو بوش رئیس جمهور آمریکا پاسخی به نامه‌ی آقای محمود احمدی نژاد که خود را رئیس جمهور مردم ایران می نامد نخواهد داد، من میرزا آقاعسگری (مانی) شاعر و نویسنده‌ی ایرانی که 22 سال است در تبعید بسر می برم، پاسخی به نامه‌ی ایشان می دهم! متن اصلی نامه آقای احمدی نژاد به آقای بوش را هم در پایان می آورم تا نشان بدهم که بیشترین اتهاماتی را که ایشان به آقای بوش و غرب وارد می کند، به خودش و حکومتش برمی گردد. پاسخ من، تقریباً همان نامه‌ی احمدی نژاد است با اندکی تغییرات در زمینه خطاب قراردادن آقای بوش. مثلاً در موارد بسیاری فقط نام ایران را جانشین واژه‌ی جهان کرده‌ام. و یا نام حضرات: محمد و مهدی را جانشین نام حضرت عیسی کرده‌ام. در برخی جاها به جای جملات طولانی و بی مورد آقای احمدی نژاد چند نقطه گذاشته‌ام.

آقای محمود احمدی نژاد- رئیس جمهور حکومت اسلامی

مدتی در این اندیشه بودم چگونه می توان تناقضات غیر قابل انکار موجود در صحنه‌ی ایران را که مدام مورد بحث محافل مردمی بخصوص مجامع سیاسی و دانشجویی است توجیه کرد . سئوالات زیادی در این مورد بی جواب مانده است لذا تصمیم گرفتم شمه‌ای از این تناقضات و سئوالات را مطرح کنم ، شاید فرصتی برای تصحیح آنها فراهم آید .

آیا می شود پیرو حضرت محمد (ع) پیامبر بزرگ الهی بود ، خود را متعهد به حقوق بشر اسلامی دانست ، حکومت عدل الهی را الگوی تمدنی معرفی کرد، با گسترش سلاحهای هسته‌ای و کشتار جمعی اعلام مخالفت نمود، مبارزه با تروریسم را شعار خود قرار داد(!) ، و در نهایت برای تشکیل جامعه واحد جهانی (اسلامی) تلاش کرد.

جامعه‌ای که قرار است حضرت مهدی (ع) و صالحان زمین در آن حکومت کنند(!؟) . اما درعین حال ؛ کشورها (ی عراق و افغانستان و اسرائیل) مورد تعرض قرار گیرند. جان و حیثیت و هستی افراد از ارزش ساقط شود؟ ... یا 12000 زندانی سیاسی را طی یک ماه و بدون محاکمه اعدام کرد، و یا 3 میلیون ایرانی را به جرم دگراندیشی مجبور به گریز از میهنشان کرد، و یا هر روزنامه و روزنامه نگاری را به خاطر دگراندیشی بست و کشت، و یا شاعران و نویسندگان را خفه کرد و در بیابانهای تهران انداخت؟! و یا گروه‌های تروریستی را به عراق و افغانستان

فرستاد تا حکومت‌های نوپای آنان را بی‌ثبات کنند، و یا پول مردم گرسنه‌ی ایران را به گروه‌های تروریستی حماس بخشید، و یا نفت مردم بیچاره‌ی ایران را مجانی به سوریه داد؟ و با اعزام گروه‌های ترور به برلین و لندن و بن و پاریس، دگراندیشان ایرانی را ترور کرد، و با اموال ایرانیان متواری را مصادره کرد و به تروریستهای منطقه بخشید؟ و یا... حریم مقدس خانه‌های شهروندان شکسته گردد و شاید بیش از 1400 سال یک کشور به عقب برگردانده شود. با چه هزینه‌ای؟ با صرف صدها میلیارد دلار از خزانه‌ی یک کشور، و با اعزام دهها هزار از جوانان و پاسداران به عنوان سربازان اسلام، قرارداد آنان در معرض کشتار و دور کردن آنان از خانواده‌های خود، آلوده کردن دست آنان به خون دیگران و اعمال فشارهای روحی و روانی به آنان به نحوی که هر روز تعدادی از آنان خودکشی کنند و وقتی به کشور خود برمی‌گردند رنجور و افسرده باشند و با امراض گوناگون سر و کار داشته باشند. تعدادی نیز کشته شده و جنازه‌های آنان تحویل خانواده‌های آنان گردد.

به عشق تولید سلاحهای کشتار جمعی، این تراژدی بزرگ برای مردم کشور اشغال شده‌ی ایران اتفاق می‌افتد. البته خمینی یک دیکتاتور جنایتکار بود. خمینی. در تمام طول جنگ ایران و عراق مورد حمایت غرب بود.

آقای رئیس جمهور؛

شاید بدانید من یک شاعر ایرانی در تبعید هستم. وجدان و شعور من می‌پرسند این اقدامات را چگونه می‌توان با ارزشهای صدر این کلام، من جمله تعهد به آئین حضرت محمد (ع) تطبیق داد؟

متهمانی در زندان اوین و زندان گوهردشت کرج و خانه‌های امن وزارت اطلاعات و... در بند هستند که محاکمه نمی‌شوند. به وکیل دسترسی ندارند. خانواده‌های آنان نمی‌توانند آنان را ببینند و هیچ نظارت بین‌المللی بر آنان نیست. معلوم نیست اینها زندانی هستند. اسیر جنگی‌اند، متهم‌اند و یا محکوم؟ من نتوانستم ربودن افراد و نگه داشتن آنان را در زندانهای مخفی با هیچیک از نظامهای قضایی دنیا تطبیق دهم و نفهمیدم که این اقدامات با کدامیک از ارزشهای صدر این مقال تطابق دارد. با تعلیمات حضرت محمد(ع) یا حقوق بشر یا ارزشهای اسلامی.

جوانان، دانشجویان و مردم در مورد پدیده کشور امام زمان سنوالات زیادی دارند. حتما بعضی از آنها را شنیده‌اید.

در طول تاریخ، کشورهای زیادی اشغال شده‌اند اما از پدیده‌های نوظهور عصر ما، تاسیس یک کشور جدید با رهبرانی جدید است با نام ولی فقیه.

دانشجویان و مردم می‌گویند 27 سال پیش چنین کشوری (کشور امام زمان) وجود نداشت. اسناد و کره جغرافیایی قدیمی را نشان می‌دهند و می‌گویند هر چه جستجو می‌کنیم کشوری به نام کشور امام زمان و کشور بقیت الله الاعظم نمی‌بینیم.

مجبورم آنان را راهنمایی کنم تاریخ ایران را مطالعه کنند. یکبار یکی از دانشجویان گفت در طول جنگ ایران و عراق که یک میلیون نفر در آن کشته شدند ، اخبار جنگ به سرعت از جانب متخاصمین منتشر می شد و هر کدام پیروزی های خود و شکستهای طرف مقابل را اعلام می کردند. بعد از جنگ ادعا شد که یک میلیون ایرانی کشته شده اند یک میلیون نفر که با حداقل دو میلیون خانواده نسبت داشته اند .

آقای رئیس جمهور

در ایران رژیمی تاسیس شده است که حتی به بچه ها رحم نمی کند ، خانه ها را بر سر مردم (و دراویش) خراب می کند ، برنامه ترور شخصیت های ایرانی را از قبل اعلام می کند و هزاران ایرانی را در زندانها نگهداری می کند . چنین پدیده ای در قرون اخیر کم نظیر یا بی نظیر است .

سئوال بزرگ دیگر بسیاری از مردم این است که چرا چنین رژیمی مورد حمایت شما است ؟

آیا حمایت از چنین رژیمی حمایت از تعلیمات حضرت محمد (ع) یا حضرت مهدی (ع) و یا منطبق بر ارزشهای اسلامی است . و آیا واگذار نمودن حق تعیین سرنوشت تمام سرزمین ایران به صاحبان اصلی آن که در داخل و خارج ایران هستند ، اعم از زردشتیان و بهائیان و سکولارها و مسلمانان و یهودیان و مسیحیان ، با اصول دموکراسی و حقوق بشر و تعلیمات انبیاء منافات دارد ؟ اگر منافات ندارد چرا با همه پرسشی مخالفت می شود ؟

...

آقای رئیس جمهور

می دانید با مردم زندگی می کنم و دائم با آنان در تماس هستم بسیاری از مردم ایران به نحوی با من تماس می گیرند . آنان اینگونه سیاستهای چندگانه را با هیچ منطقی سازگار نمی دانند.

شواهد نشان می دهد عموم مردم ایران ، هر روز نسبت به سیاستهای اعمال شده شما عصبانی تر می شوند . قصد من طرح سئوالات فراوان نیست اما می خواهم به چند نکته دیگر هم اشاره کنم .

...

من تردیدی ندارم که در تمام جوامع بشری دروغ امر ناپسندی است و جنابعالی هم دوست ندارید کسی به شما دروغ بگوید.

آقای رئیس جمهور

آیا مردم مختلف در ایران حق دارند بپرسند چرا با احزاب آنان در این کشور مخالفت و در مقابل از کودتاگران طرفدار خمینی حمایت می شود. چرا سایه تهدید دائمی بالای سر آنان است ؟ و چرا سایتهای اینترنتی و وبلاگهای مردم را فیلتر می کنید؟

...

چرا ثروت عظیم و معادن ایران به یغما برده می شود در حالیکه خود آنان بیش از دیگران نیازمند آن هستند . آیا چنین اقداماتی با تعلیمات حضرت محمد و با حقوق بشر اسلامی منطبق است ؟

...

آقای رئیس جمهور

واقعه شهریور (کشتار زندانیان سیاسی) 1367 واقعهی هولناکی بود . کشتن بیگناهان در همه جای دنیا تاسف بار و دردناک است . مردم ما همان موقع با اعلام تنفر از مسببین چنین وقایعی به بازماندگان حادثه تسلیت گفت و اظهار همدردی کرد.

همه دولتها موظفند از جان و مال و آبروی شهروندان خود محافظت کنند . آن طور که گفته می شود دولت شما برخوردار از سیستم های امنیتی و حفاظتی و اطلاعاتی گسترده ای است . حتی مخالفین خود را در خارج از مرزها شکار می کند . عملیات شهریور 1367 عملیات ساده ای نبود . آیا طراحی و اجرای آن عملیات بدون هماهنگی با سیستمهای اطلاعاتی و امنیتی و یا نفوذ گسترده در آن می توانست امکان پذیر باشد ؟ البته این يك احتمال عقلایی است . چرا ابعاد این موضوع تا کنون مخفی مانده است ؟ چرا توضیح داده نمی شود چه کسانی در این حادثه کوتاهی کرده اند ؟ و چرا مسببین و مقصرین معرفی و محاکمه نمی شوند؟

آقای رئیس جمهور

از وظایف همه دولتها ایجاد امنیت و آرامش برای شهروندان است . مردم کشور ما و کشورهای همجوار نقاط بحرانی جهان چندین سال است احساس امنیت روانی ندارند. بعد از حادثه شهریور 1367 به جای التیام روانی و آرام آسب دیدگان و شهروندان ایرانی که به شدت تحت تاثیر حادثه بودند ، برخی رسانه های حکومتی جو ناامنی را دامن زدند و بطور مداوم از احتمال حملات تروریستی سخن گفتند و مردم را در ترس و وحشت نگه داشتند . آیا این خدمت به مردم ایران است ؟ آیا خسارت ناشی از ترس و وحشت قابل محاسبه است ؟ تصور کنید ، شهروندان ایرانی در همه جا احتمال حمله را می دادند . در خیابانها ، در محل کار و در خانه احساس ناامنی می کردند . این وضعیت را چه کسی می پسندد؟ چرا رسانه ها به جای القای آرامش و امنیت ، ناامنی را القا می کردند.

...

در منشورهای رسانه ای ، اطلاع رسانی درست و حفظ امانت در انتشار خبر ، يك اصل انسانی و پذیرفته شده است . مایلم تاسف عمیق خود را از عدم تعهد رسانه های حکومتی به چنین اصلي اعلام کنم . بهانه اصلي در حمله به مردم وجود دگراندیشی بود . آن قدر این موضوع تکرار شد تا مردم باور کنند و زمینه حمله به مردم نیز فراهم شود . آیا در فضای ساختگی و دروغ ، حقیقت گم نمی شود؟ و آیا گم شدن حقیقت با معیارهای پیش گفته سازگار است ؟ و آیا حقیقت ، نزد خدا هم گم می شود ؟

آقای رئیس جمهور

در همه کشورها مردم هستند که هزینه دولتها را می پردازند تا دولتها به آنان خدمت کنند . سؤال این است که میلیاردها دلار هزینه های سالیانه ارتش و سپاه ، حزب الله لبنان و سوریه و حماس چه دست آوردی برای مردم داشته است ؟ جنابعالی اطلاع دارید در بعضی از ایالات (استانهای) کشور ما مردم در فقر و تنگدستی هستند . هزاران نفر بی خانمان زندگی می کنند . بیکاری معضل بزرگی است و این مشکلات کم و بیش در سایر کشورها هم هست . آیا در چنین شرایطی آن حجم عظیم لشکرسازی و آن هزینه های هنگفت از خزانه مردم توجیه پذیر است و با اصول پیش گفته تطابق دارد ؟ آیا هزینه کردن میلیاردها دلار از نان سفره ی مردمی گرسنه برای تولید بمب هسته ای که با آن بتوانید مردم ایران و جهان را به گروگان بگیرید کاری عاقلانه است؟

آقای رئیس جمهور

آنچه گفته شد بخشی از دردهای امروز مردم ایران است . اما کلام اصلي من که شما حداقل بخشی از آن را تصدیق خواهید کرد این است که :

حاکمان دوران معینی دارند و پایدار نیستند ، اما نام و یاد آنان در تاریخ خواهد ماند و در آینده های نزدیک و دور دائم در معرض قضاوت خواهند بود.

مردم خواهند گفت ، در دوران شما چه گذشته است . آیا برای مردم امنیت ، رفاه و آسایش آورده اید یا نا امنی و بیکاری .

آیا می خواستید عدالت بر پا کنید یا فقط از گروههای خاصی حمایت کردید و به قیمت فقر و تنگدستی عده زیادی از مردم ، عده اندکی را به ثروت و مقام رساندید و رضایت آنان را بر رضایت خدا و مردم ترجیح دادید .

آیا از حقوق مردم و محرومین دفاع کردید یا آنانرا نادیده گرفتید .

آیا از حقوق انسانها در سراسر جهان دفاع کردید یا اینکه با تحمیل جنگ و دخالتهای غیر قانونی در امور کشورها و با ایجاد زندانهای مخوف عده ای را به بند کشیدید .

آیا امنیت و صلح را برای جهان رقم زدید یا سایه تهدید و زور را در جهان گسترانیدید . آیا به ملت خود و سایر مردم جهان راست گفتید یا اینکه حقایق را وارونه جلوه دادید . آیا طرفدار مردم بودید یا طرفدار مال اندوزان و ستمگران . آیا درحکومت شما منطق ، عقل ، اخلاق ، صلح ، عمل به تعهدات ، گسترش عدالت ، خدمت به مردم ، رفاه و پیشرفت ، حفظ کرامت انسانی مورد توجه بود یا زور اسلحه ، تهدید ، ناامنی ، بی توجهی به مردم ، عقب انداختن پیشرفت و تعالی ایران و پایمال کردن حقوق انسانها؟ و بالاخره خواهند گفت آیا به آنچه سوگند یاد کردید ، در خدمت به مردم که وظیفه و تعهد اصلی شماست و به آئین پیامبران پایبند بودید یا خیر؟

آقای رئیس جمهور

تا کی ایران می تواند چنین وضعیتی را تحمل کند . با این روند ، ایران به چه سمتی خواهد رفت ؟ - تا کی مردم ایران باید خسارت تصمیمات نادرست حاکمان را بدهند ؟ - تا کی باید سایه نا امنی ناشی از انباشت سلاحهای کشتار جمعی بر مردم ایران سایه افکند ؟ - تا کی باید خون کودکان و زنان و مردان بر سنگ فرش خیابانها و کوچه ها بریزد و خانه های مردم بر سر آنان خراب شود ؟ آیا جنابعالی از وضعیت امروز ایران راضی هستید ؟ و آیا فکر می کنید سیاستهای جاری می تواند ادامه یابد؟

آیا اگر به جای میلیاردها دلار مخارج امنیتی ، نظامی و لشکر کشی این ارقام صرف سرمایه گذاری و کمک به اقشار ضعیف ، توسعه بهداشت و مبارزه با امراض مختلف ، آموزش و بالا بردن توانمندیهای فکری و جسمی ، کمک به آسیب دیدگان ناشی از بلایای طبیعی ، ایجاد اشتغال و تولید ، آبادانی و رفع فقر و محرومیت ، و صرف ایجاد صلح ، رفع اختلافات بین کشورها ، خاموش کردن جنگهای قومی و نژادی و ... می شد ، امروز ایران در چه موقعیتی بود ؟ و آیا دولت شما نیز احساس غرور و سربلندی نمی کرد؟ آیا موقعیت سیاسی و اقتصادی دولت شما مستحکمتر نبود؟ با کمال تاسف می گویم آیا نفرت فزاینده امروز مردم جهان نسبت به دولت ایران وجود داشت ؟

آقای رئیس جمهور

قصه آزردهن خاطر کسی را ندارم . آیا اگر امروز حضرت ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، یوسف و یا حضرت محمد (علیهم السلام) حضور داشتند در مورد این رفتارها چه قضاوتی داشتند؟ آیا در جهان موعود که عدالت سرتاسر آن را فراخواهد گرفت و حضرت مهدی (ع) حضور خواهند یافت؟! به شما نقشی خواهند داد ؟ و آیا شما را خواهند پذیرفت ؟ سؤال کلیدی من این است ؛ آیا راه بهتری برای تعامل با ملت ایران و جهان وجود ندارد ؟

...

آقای رئیس جمهور

(در اینجا آقای احمدی نژاد دهها آیه از قرآن می آورد که تکرار آنها دردی را دوا نمی کند. لذا آنها را حذف کردم.)
جناب آقای رئیس جمهور

نگاهی به تاریخ نشان می دهد که اگر حکومتها در طریق ظلم و ستم باشند نمی توانند پایدار بمانند . خداوند سرنوشت بشریت را به دست آنان نسپرده است . خداوند جهان و انسانها را رها نکرده است ، چه بسیار وقایعی که بر خلاف خواست و تدبیر حکومتها اتفاق می افتد . وقایع نشان می دهد دست قدرت برتری در کار است که همه امور با اراده او رقم می خورد (و آن دست مردم است!)

آقای رئیس جمهور

آیا نشانه های تغییر و تحولات در جهان امروز قابل انکار است ؟

آیا اوضاع فعلی جهان با ده سال قبل را می توان مقایسه کرد . تغییرات سریع و بسیار گسترده است . مردم جهان از وضعیت موجود (حکومت شما) راضی نیستند و کمتر به وعده ها و اظهارات حاکمان شما اعتماد می کنند . مردم بسیاری از نقاط ایران و جهان احساس ناامنی می کنند و با توسعه نا امنی و جنگ مخالفند و سیاستهای چندگانه را نمی پذیرند . مردم نسبت به شکاف موجود بین ثروتمندان و فقرا و اقشار مرفه و فقیر معترض هستند. مردم از فساد رو به تزاید ابراز تنفر می کنند .

مردم ایران از اینکه بنیانهای فرهنگی آنان در معرض تهاجم است و بنیان خانواده ها از هم می پاشد و از اینکه مهر و محبت ها کم شده است ناراحتند . مردم ایران به سازمانهای دولتی خوشبین نیستند زیرا حقوق آنان توسط این سازمانها استیفا نمی شود.

ادعای عدل و عدالت اسلامی شما نتوانسته بشر را به آرمانهای خود نزدیک کند و امروز دو مفهوم شکست خورده اند . ژرف اندیشان و عقلای عالم صدای فرو ریختن اندیشه و نظامات اسلامی شما را به وضوح می شنوند. امروز توجه مردم ایران به سوی يك کانون اصلي ، رو به افزایش است و آن کانون دموکراسی و حقوق بشر و حکومتی سکولار است و صد البته مردم ...پیروز خواهند شد . سنوال جدي من این است آیا شما نمی خواهید آنان را همراهی کنید (!؟) .

آقای رئیس جمهور

شما چه خواهید و چه نخواهید ، ایران به سمت دموکراسی و عدالت به پیش می رود و اراده مردم بر همه چیز غلبه خواهد کرد .

میرزا آقاعسگری (مانی)

شاعر و نویسنده ی تبعیدی ایرانی در آلمان

mani@nevisa.de

